

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



مجلس شورای عالی انقلاب علوم

پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی

عنوان

# تحول نظری فقه سیاسی شیعه از مشروطیت تا انقلاب اسلامی

استاد راهنما

حجة الاسلام والمسلمین سید محمد تقی آل سید غفور

استاد مشاور

دکتر علیرضا صدرا

نگارنده

عباس حیدری

013552

تابستان ۱۳۷۹

۳۹۵۳۸



باسمه تعالی

صورت جلسه دفاع از پایان نامه تحصیلی

تاریخ: ۱۳۷۹ / ۴ / ۱۰  
شماره: ۱۰۱۲  
پیوست:

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از الطاف حضرت ولی عصر (عج) جلسه دفاع از پایان نامه  
حاجم آقای **عباس حسینی** بهزیستی دانشجوی رشته علوم سیاسی گرایش  
نحت عنوان **تحول نظر فقہ سیاسی شیعی از مشروطیت تا انقلاب اسلامی**  
در تاریخ ۱۳۷۹ / ۴ / ۲۰ با حضور هیأت داوران مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع) برگزار گردید. نظر  
هیأت داوران به شرح زیر اعلام می گردد:

قبول با امتیاز عالی  دفاع مجدد  مردود   
نمره ۱۸۱۶۷

۱۳۸۰ / ۴ / ۲۵

با آرزوی توفیق الهی

رتبه علمی

- |   |                          |
|---|--------------------------|
| نام و نام خانوادگی                          | اعضای هیأت داوران        |
| حجت الاسلام والمسلمین سید محمد تقی آل غفوری | (۱) استاد راهنما         |
| دکتر علیرضا صدرا                            | (۲) استاد مشاور (۱)      |
| دکتر رادور فیروزی                           | (۳) استاد مشاور (۲)      |
|   | (۴) استاد ناظر           |
|   | (۵) نماینده شورای پژوهشی |

نام و امضای مسؤول گروه برنامه ریزی پژوهشی نام و امضای مدیر پژوهشی مؤسسه

مرکز اطلاعات و آرشیو علمی ایران  
تهران

توضیح: با توجه به آیین نامه پایان نامه ها، مصوب شورای پژوهشی مؤسسه امتیاز پایان نامه ها به شرح زیر مشخص می گردد.

الف) کارشناسی	ب) کارشناسی ارشد
۱ - نمره ۱۸ الی ۲۰ عالی	۱ - نمره ۱۸ الی ۲۰ عالی
۲ - نمره ۱۶ الی ۱۷/۹۹ بسیار خوب	۲ - نمره ۱۶ الی ۱۷/۹۹ بسیار خوب
۳ - نمره ۱۴ الی ۱۵/۹۹ خوب	۳ - نمره ۱۴ الی ۱۵/۹۹ خوب
۴ - نمره ۱۰ الی ۱۳/۹۹ قابل قبول	۴ - نمره ۱۲ الی ۱۳/۹۹ قابل قبول
۵ - نمره کمتر از ۱۰ مردود	۵ - نمره کمتر از ۱۲ مردود

\* محاسبه میانگین ارزشیابی اعضای هیأت داوران توسط نماینده شورای پژوهشی انجام می گیرد.

## فهرست مطالب

چکیده

مقدمه:

۱	طرح تحقیق
۲	۱- طرح موضوع
۲	۲- اهمیت موضوع
۳	۳- فایده تحقیق
۳	۴- هدف تحقیق
۳	۵- مسأله اصلی
۳	۶- فرضیه
۴	۷- مفاهیم و متغیرها
۴	۸- سؤالات فرعی
۵	۹- مفروضات
۵	۱۰- بررسی متون
۵	۱۱- روش تحقیق
۶	۱۲- سازمان‌دهی تحقیق

فصل اول:

۷	روش، چارچوب نظری و مفاهیم
۸	۱- اثبات‌گرایی
۱۲	۲- هرمنوتیک
۱۲	الف) تعریف هرمنوتیک
۱۲	ب) موضوع هرمنوتیک
۱۲	ج) مسائل
۱۳	د) سابقه
۱۴	ه) انواع هرمنوتیک
۱۴	۱- هرمنوتیک به‌عنوان واکشی تفسیر متون؛
۱۶	۲- هرمنوتیک به منزله روش‌شناسی لغوی
۱۶	۳- هرمنوتیک به منزله روش علوم انسانی
۱۷	۴- علم هرمنوتیک به منزله علم فهم زبانی
۱۷	۵- هرمنوتیک «دازاین» یا پدیدارشناسی
۱۸	۶- علم هرمنوتیک به منزله نظام تأویل
۱۹	هرمنوتیک در دنیای اسلام
۲۱	الف) اصل دور هرمنوتیک
۲۳	ب) نقش معرفت‌های پیشین در تفسیر متن
۲۵	ج) اخذ تأویل مثبت و طرد تأویل منفی
۳۲	بیان مفاهیم
۳۲	الف) وجه سلبی بحث
۳۳	ب) وجه ایجابی بحث
۳۳	ج) ویژگی‌های اجتهاد جدید در فقه سیاسی
۴۱	پی‌نوشتها:

فصل دوم:

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شیوه جدید اجتهاد	۴۴
مقدمه	۴۵
۱- عوامل ذهنی	۴۷
الف) بسط تحقیقات اصولی	۴۷
ب) تأثیر فلسفه ملاصدرا در شکل‌گیری اجتهاد جدید	۵۲
۲- عوامل عینی	۶۱
الف) نفوذ اجتماعی قابل ملاحظه فقهاء	۶۱
ب) تأثیر و تأثر متقابل استبداد و استعمار	۶۲
پی‌نوشتها:	۶۵

فصل سوم:

عبارات و ابتکارات نائینی در فقه سیاسی	۶۷
مقدمه:	۶۸
زندگی و زمانه نائینی	۶۸
الف) استبداد شرک عملی است	۷۱
انواع حکومت از دیدگاه نائینی	۷۴
ب) اثبات مشروعیت محدودیت حقوقی بر قدرت سیاسی	۸۳
ج) تقسیم قوانین شرعی به ثابت و متغیر	۸۶
پی‌نوشتها:	۸۹







با سپاسگزاری و قدردانی از:

همه کسانی که سامان نابسامانی‌های تلاشم، مدیون دانش و بینش و منش آنان است.

استاد راهنمایم، حجة الاسلام والمسلمین سید محمد تقی آل غفور که به وفور مزاحمتش نمودم و مراحمت نمود و هر بار بر دانش و بینش و صحت روش پژوهشم افزود.

استاد مشاورم، دکتر علی رضا صدرا که راه صعب العبور پژوهش را برایم آسان نمود.

همسر و فرزندانم، که در هر مشکلی کمک‌کارم بوده‌اند.

برادر بزرگووارم، ابوالقاسم کریم تبار که نهایی شدن این پژوهش مدیون تلاش اوست.

و همه کسانی که به نوعی دخیل در این کار بوده‌اند و نیاوردن نام آنان ذره‌ای از علاقه‌ام به آنان نمی‌کاهد.

مرکز اطلاعات مدرک علمی ایران  
تیم مدرک



مقدمه:

# طرح تحقیق

## ۱- طرح موضوع

فقه سیاسی شیعه، از عصر غیبت (۳۲۹ ه. ق) تاکنون در دو گفتمان اساسی، یعنی؛ گفتمان حسبه و گفتمان ولایت، جریان پیدا کرده است؛ در دوره از قرن چهارم تا قرن چهارده شاهد سیطره گفتمان حسبه در فقه سیاسی شیعه هستیم، ولی از دوره مشروطیت به بعد گفتمان ولایت سیطره یافته است. براساس گفتمان حسبه فقهای شیعی تکیه بر روی حداقل‌ها در اداره اقلیت شیعه در مقابل اکثریت اهل سنت، نمودند و از لحاظ نظری تئوری معطوف به تشکیل دولت ارائه ندادند و از جهت عملی نیز کنش اجتماعی و سیاسی معطوف به تشکیل دولت صورت ندادند. از مشروطیت به بعد به تدریج فقهای شیعی نظریه دولت را براساس فقه شیعی ارائه دادند. و در عمل کنش سیاسی معطوف به تشکیل دولت انجام دادند و امام خمینی توانست دولت هم تشکیل دهد. و گفتمان ولایت را در فقه سیاسی شیعه مسلط سازد.

أخذ گفتمان ولایت و رفض گفتمان حسبه در فقه سیاسی شیعی مبتنی بر شکل‌گیری سبک خاصی از اجتهاد در فقه سیاسی شیعه در دوره از مشروطه به بعد است. این سبک خاص اجتهاد دارای ویژگی‌های خاص است که با اجتهاد قبل از آن تفاوت‌هایی دارد و اثرات اعمال این نوع اجتهاد در فقه سیاسی شیعه نیز متفاوت با نوع اجتهاد در دوره قبل است. و یقیناً همانگونه که هر معلولی بدون علت و عوامل خاص نیست، شکل‌گیری این سبک از اجتهاد در فقه سیاسی شیعه نیز متأثر از عواملی است.

## ۲- اهمیت موضوع

در راستای فهم تحولات ایران بعد از نهضت مشروطیت، فهم تحول فقه سیاسی شیعه در دوره مورد نظر لازم است. و فهم تحول فقه سیاسی شیعه بدون تحول اجتهاد ناممکن است. لذا شناخت نوع تحول اجتهاد جدید و آثار و عوامل شکل‌گیری آن امری ضروری است. آنچه اهمیت این پژوهش را دو چندان می‌کند، بروز انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی است که حفظ آن بدون شناخت و تقویت نوع اجتهادی که موجب آن بوده است، ناممکن است.

## ۳- فایده تحقیق

این تحقیق که وجه نظری آن در اولویت است علاوه بر آنکه اثری جدید را به جامعه اهل تحقیق، عرضه می‌دارد، می‌تواند گوشه‌ای از تقاضای نهادهای دل‌واپس، پویایی و پایایی نظام جمهوری اسلامی ایران را، پاسخ دهد.

## ۴- هدف تحقیق

این پژوهش علاوه بر بیان نوع، عوامل، و آثار، اجتهاد جدید در فقه سیاسی شیعه، چارچوب نظری مناسبی برای پژوهش در این زمینه فراهم خواهد ساخت.

## ۵- مسأله اصلی

شکل‌گیری نوع خاصی از اجتهاد در فقه سیاسی شیعه، که آثار خاصی نیز دارد، ناشی از چه عامل یا عواملی است؟

## ۶- فرضیه

شکل‌گیری این اجتهاد ناشی از تأثیر و تأثر عوامل ذهنی و عینی است. که عبارتند از بسط

تحقیقات اصولی، گرایش فلسفی فقها در دوره مورد نظر، افزایش نفوذ اجتماعی فقهاء، و واکنش فقها در مقابل همکاری متقابل استبداد داخلی و استعمار خارجی.

## ۷- مفاهیم و متغیرها

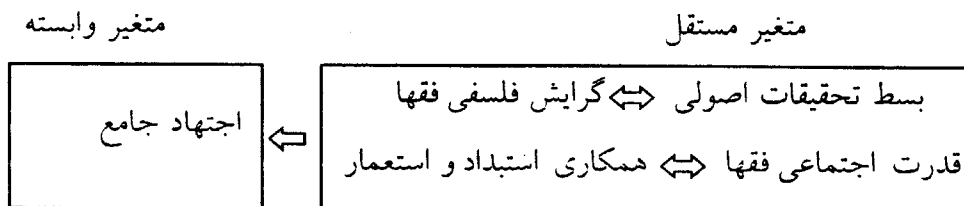
**اجتهاد:** عبارت است از نظام معرفتی خاصی که یک مجتهد برای ارتباط بین قرآن، سنت، اجماع و عقل، برقرار می‌سازد. و نتیجه آن استنباط حکم شرعی در مورد واقعه و موضوع خاصی است.

**سبک اجتهاد جدید:** در فقه سیاسی شیعه به این صورت است که فقیه دین را به صورت جامع می‌بیند، و از پیش فرض‌های اساسی آن این است که دین کامل است و هیچ خلأیی را در زندگی انسان از لحاظ حکم باقی نمی‌گذارد.

**عوامل ذهنی:** عبارت از عواملی هستند که رابطه مستقیم با ذهن دارند مانند اصول فقه دانستن و یا فلسفه دانستن.

**عوامل عینی:** عبارت از عواملی هستند که در خارج از ذهن وجود دارند مانند استبداد و استعمار و قدرت اجتماعی.

## متغیرها:



## ۸- سؤالات فرعی

۱- با چه چارچوبی می‌توان تحول نظری فقه سیاسی شیعه از مشروطیت تا انقلاب اسلامی

را بررسی کرد؟

- ۲- عوامل شکل دهنده به شیوه اجتهاد جدید در فقه سیاسی شیعه کدام است؟
- ۳- آیا می‌توان از عبارات نائینی پی برد که ابتکارات او در فقه سیاسی ناشی از بکار بردن شیوه جدید اجتهاد است؟
- ۴- آیا ابتکارات امام در فقه سیاسی ناشی از بکار بردن شیوه اجتهاد جدید است؟

## ۹- مفروضات

- ۱- بین تحول اجتهاد و تحول فقه سیاسی ربط وثیق برقرار است؛
- ۲- فقهای این دوره علی‌رغم سلائق شخصی، در مجموع از یک سبک اجتهاد در فقه سیاسی استفاده نموده‌اند؛
- ۳- اجتهاد امام و نائینی شاخصی برای اجتهاد در این دوره است؛
- ۴- ابتکارات امام و نائینی در فقه سیاسی شیعه ناشی از اعمال این نوع اجتهاد است؛
- ۵- ابتکارات امام و نائینی را می‌توان از عباراتشان به دست آورد.

## ۱۰- بررسی متون

از منابع مورد بررسی به دست آمد که در مورد تحول نظری در فقه سیاسی شیعه چهارگونه بحث شده است، عده‌ای تحول نظری فقه سیاسی شیعه را در این دوره براساس تحول نظر فقها بررسی کرده‌اند - به عنوان نمونه بین نائینی و امام مقایسه صورت داده‌اند.

عده‌ای به عوامل شکل‌گیری گفتمان جدید در فقه سیاسی شیعه پرداخته‌اند و عده‌ای هم به نوع تحول در اجتهاد پرداخته‌اند. دسته‌ای از منابع به نوآوری‌های فقهاء این دوره پرداخته‌اند - اما به پژوهشی که علاوه بر بیان نوع تحول اجتهاد و آثار آن به بحث از عوامل شکل‌گیری اجتهاد جدید پرداخته باشد. برخورد نکردیم، و لذا بر آن شدیم این تحقیق را سامان دهیم.

## ۱۱- روش تحقیق

این پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی و در قالب چارچوب نظری متخذ از مکتب هرمنوتیک انجام می‌شود.

## ۱۲- سازمان‌دهی تحقیق

عناصر تشکیل دهنده این تحقیق علاوه بر طرح تحقیق، گفتاری درباب هرمنوتیک، چهار فصل و یک خاتمه خواهد بود. مقدمه را به بررسی اجمالی پیرامون مکتب هرمنوتیک اختصاص داده‌ایم تا در پرتو آن در فصل اول چارچوب نظری تحقیق را ارائه کنیم و مفاهیم را توضیح دهیم. فصل دوم را جهت بیان عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری اجتهاد در دوره از مشروطیت تا انقلاب اسلامی، در تحقیق گنجانیدیم مضاف بر اینکه به اعتباری این فصل قلب تحقیق است. فصل سوم و چهارم به عبارات و ابتکارات نائینی در فقه سیاسی شیعه<sup>۱</sup> و «عبارات و ابتکارات امام در فقه سیاسی شیعه» اختصاص دادیم تا بتوانیم آثار این سبک اجتهاد را در قالب عبارات و ابتکارات نائینی در فقه سیاسی شیعه در فصل سوم و عبارات و ابتکارات امام در فقه سیاسی در فصل چهارم بیان کنیم، و از آن جهت که بحث تا حدی صبغه نظری دارد برای منسجم کردن ادعاها و استدلالات و بیان یکجای آنها، خاتمه‌ای را هم در نظر می‌گیریم.



## فصل اول:

# روش، چارچوب نظری و مفاهیم

برای اینکه بتوانیم چارچوب نظری را توضیح دهیم، لازم است اشاره‌ای اجمالی به مکتب اثباتگرایی و مکتب هرمنوتیک بنمائیم.

### ۱- اثباتگرایی

اثباتگرایی به عنوان یک مکتب معرفت شناختی دارای مفروضات و بایدها و نبایدهای روش شناختی خاصی است، در این مکتب تجربه به عنوان شالوده و سرچشمه‌ای تلقی می‌شود که معرفت یقینی از آن می‌جوشد و داور نهایی در هر نوع منازعه‌ای دریاب علم، تجربه است.

«برای استخراج قانون کلی براساس اثباتگرایی باید تجربه‌های یقینی

را روی هم انباشت تا ذهن به‌طور خودکار و قهری به قانون کلی دست پیدا

کند و تبیین و پیش‌بینی که دو هدف اساسی برای هر پژوهش علمی هستند،

صورت گیرد»<sup>(۱)</sup>.

اثباتگرایی در وجه سطحی و افراطی مدعی است که تبیین و پیش‌بینی که؛ بواسطه

انباشت و تراکم تجربه‌ها صورت می‌گیرد یقین‌آور است. ولی اثباتگرایان ژرف‌اندیش تبیین و

پیش‌بینی برخاسته از انباشت تجربه‌ها را یقینی نمی‌دانند.

---

1. Len Doyal and Roger Harris, *EMPIRICISM Explanation and Rationality* (London: Britis Library CIP, 1986)

اثباتگرایی سطحی «عالم را به عنوان نوعی تماشاگر موضوع پژوهش فرض می‌کند»<sup>(۱)</sup> و «کار عالم را خبر گرفتن از مقتضیات طبایع اشیاء»<sup>(۲)</sup> می‌داند و مفروضش این است که «واقعیتی در خارج از ذهن دانشمند وجود دارد که ساختار و محتوای آن مستقل از تصورات و آرزوهای دانشمند است»<sup>(۳)</sup> بنابراین کسی که به دنبال دانش است باید صفحه نانوخته ذهن خود را در مقابل واقعیت قرار دهد تا واقعیت در آن منعکس شود و هر مانعی که از انعکاس واقعیت در صفحه ذهنش وجود دارد را، باید برطرف کند. هرگونه پیش‌فرض، انتظار، اعتقاد و باور و ارزش و گمانه‌زنی پیش ساخته باید از ساحت ذهن به دور افکنده شود.

در اثر زیاد شدن انعکاس واقعیت در صفحه ذهن و آن هم در شرایط متنوع، ذهن به‌طور خودکار به قانونی کلی دست پیدا می‌کند که علاوه بر تبیین یقینی، پیش‌بینی به‌طور یقینی را نیز انجام می‌دهد. و براساس انباشته شدن قوانین حول یک موضوع، علمی خاص شکل می‌گیرد و پیشرفت می‌کند بنابراین علم با یک فعالیت ایجابی «در معرض واقع قرار گرفتن» و یک فعالیت سلبی «صفحه ذهن را خالی نمودن» به‌طور طبیعی خلق و متعاقب آن پیشرفت می‌کند و ملاک صحت و سقم آن به این است که دانشمند ببیند چه اندازه ذهن خود را از موانع درک پاک نموده است. بنابراین در وضعیتی که صفحه ذهن به‌طور کامل از موانع درک پاک شده است، شخص دانشمند به طبیعت شی‌پی می‌برد و لذا این درک به صورت یقینی ارزیابی می‌شود.

اثباتگرایی عمری طولانی داشت و رواج زیادی هم پیدا کرده و تجربه روزمره هم مؤید آن بود. اما از دهه ۱۹۶۰ به بعد مورد آماج انتقادات قرار گرفته است. صورت‌بندی کلی انتقادات بر اثباتگرایی در قالب اشکال مبنایی و اشکالات بنایی قابل بیان است. اشکال مبنایی را می‌توان عبارت از این دانست که پیش‌فرض اساسی اثباتگرایی این است که تجربه یقین‌آور است. در حالیکه تجربه خود سرشار از نظریه است. و چون در نظریه احتمال خلاف می‌رود. این احتمال به خود تجربه هم سرایت می‌کند زیرا نتیجه تابع‌أخس مقدمتین است. و اذاجاء الاحتمال بطل الاستدلال. هنگامیکه ر‌اهیابی شک و احتمال در نظریه قابل سد کردن نیست. و از طرفی تجربه هم سرشار از نظریه است. پس تجربه و مشاهده و به اعتباری گزاره مشاهده‌ای هم، راهش بر روی

شک و احتمال گشوده می‌شود. و بنابراین شالوده‌ای که اثباتگرایی بر آن بنا شده بود شکسته می‌شود اشکال بنایی به این برمی‌گردد که اثباتگرایی را نه منطق اثبات می‌کند و نه تاریخ، زیرا منطق فقط در مورد قیاس می‌گوید که اگر مقدمات از مواد برهانی باشند و به صورت قیاس در آیند از ترتیب مقدمات به حکم قطعی عقل به نتیجه دست می‌یابیم ولی این سخن را در مورد استقراء یعنی انباشت تجربه‌ها و سپس تعیم نمی‌توانیم بزنیم<sup>(۴)</sup> اگر کسی ادعا کند که استقراء ناقص ملازم با یقین نیست ولی استقراء تام ملازم با یقین است. در جواب گفته می‌شود که اولاً استقراء تام امکان ندارد به خصوص اگر اصل عدم تعین را بپذیریم، ثانیاً: استقراء تام با هدف علم‌ناسازگار است چون در هر علمی پیش فرض اساسی این است که با کمترین هزینه بیشترین سود را ببریم در حالیکه در استقراء تام با بیشترین هزینه کمترین سود را به دست می‌آوریم.

از لحاظ تاریخی نیز اثباتگرایی قابل توجیه نیست. زیرا توجیه اصل استقراء بر اساس تاریخ «همانگونه که دیوید هیوم در اواسط قرن هجدهم به‌طور قطعی نشان داد، متضمن دور است»<sup>(۵)</sup>.

علاوه بر این اثباتگرایی با چهار مشکل اساسی روبرو است که راه فراری برای آن نمی‌تواند یافت.

۱- مشاهده می‌کنیم که پژوهشگران بین تجربه‌ها دست به‌گزینش می‌زنند. این‌گزینش در خلأ نظری و مفهومی صورت نمی‌گیرد، زیرا اولویت‌بندی بعضی از تجربه‌ها نسبت به تجربه‌های دیگر یا ناشی از این است که به تمام تجربه‌ها نمی‌توان دست پیدا کرد و یا ناشی از این است که در نظر دانشمند بعضی از تجربه‌ها اولویت دارند، به هر حال در پشت هر تجربه‌ای نظریه‌ای هست و نظریه خطاپذیر است و قهراً خطای نظریه به تجربه هم سرایت می‌کند، اثباتگرا این مشکل را نمی‌تواند پاسخ دهد، از طرفی پژوهشگر وقتی‌گزینش می‌کند یعنی فعال است، در حالیکه مفروض این است که پژوهشگر منفعل است.

۲- لازمه برنامه پژوهشی اثباتگرا این است که برای به دست آمدن علم هیچ خطایی صورت نگیرد، در حالیکه اگر با این منطق پیش رویم باید تمام برنامه‌های درسی و پژوهشی را